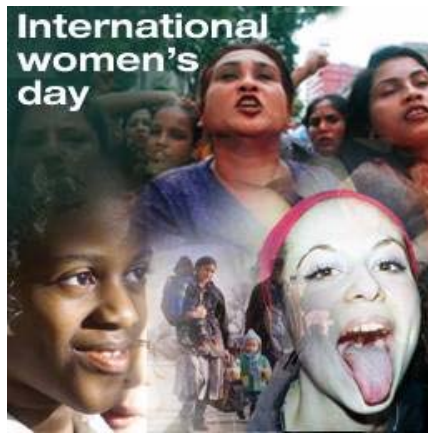




# در روز ۸ مارس، به ریشه های نابرابری و آوارگی گسترده زنان اعتراض کنیم



دیگری مردان را مقصر میداند. . . ما جزو جنبش بخشی از بشریت آزادیخواه هستیم که ریشه نابرابری، بیحقوقی و فرار و آوارگی گسترده زنان و از جمله ریشه حقارت و سیه روزی زنان در جوامعی چون ایران را در منافع همین نظام سرمایه داری امروز ادامه در صفحه ۲

برای آزادی و برابری کامل زنان، یکی برای کرسی های زنانه در پارلمان و در ارگانهای حکومتی، یکی حکومت های مذهبی را زیر ضرب میگیرد دیگری غیردمکرات ها، یکی نظام اجتماعی و منافع آن را بانی فرودستی زنان میداند،

نشان میدهند. اولی برای توجیه و پرده پوشی و مقاومت در مقابل بهبود وضعیت زنان و دومی برای احقاق حقوق او. در روز ۸ مارس انواع معترضین و مدافعین فرودستی و ستم کشی زنان به میدان میایند. یکی

هشت مارس فرا میرسد روز جهانی زن روز اعتراض به بی حقوق نیمی از انسانهای کره زمین تبعیض علیه زنان در دنیای کنونی چنان وسیع و گسترده و آشکار است که همه از ارتجاعی ترین جریانات مذهبی و راست گرفته تا مترقی ترین جریانات مدافع حقوق انسانها غالبا در این روز واکنش

حسن صالحی

## تحریکات ضد خارجی موقوف!

حزب مردم در کشور سوئد باز هم ستیزی موجود بهره می گیرد تا با به جان خارجیان افتاده است. هر بار ایجاد بدبینی و کینه نسبت به ما به انتخابی نزدیک می شویم این خارجیان و فریفتن مردم برای خود شده است. حزب مردم در دوره حزب از انبان نفرت انگیز خارجی رای دست و پا کند. دست زدن به انتخاباتی ادامه در صفحه ۶

## روز ۸ مارس، مرگ آپارتاید جنسی را اعلام کنیم

اسماعیل مولودی

مبارزه روزمره انسانها برای برابری و آزادی يك جز اصلی از پیشرفت می باشد که بعنوان يك حرکت های جامعه بشری است. آزوی برابری طلبانه در اواسط قرن ۱۸ دنیایی بهتر همیشه یکی از رؤیا خود را به صاحبان قدرت و سرمایه های بشر بوده و به یمن آن، داران تحمیل کرد و اکنون بیش از انسانهای آزاده در طول تاریخ برای صد سال است که انسانهای آزاده در آن مبارزه کرده اند و جنبشهای سراسر دنیا آن روز را گرمی عظیم اجتماعی را سازمان داده میدارند. آنچه که هشت مارس را اند، یکی از دستاوردهای این به يك ادامه در صفحه ۷

## دیدار هیئت فدراسیون با نمایندگان احزاب پارلمانی سوئد

صفحه ۳

## پیشنهادات راسیستی اخیر حزب مردم سوئد در باره "خارجیان" را قاطعانه افشا میکنیم!

صفحه ۳

وابستگی شهروند و گرفتاری آقای زرهی بابک یزدی!

صفحه ۸

ناسیونالیسم در پوشش دفاع از پناهنده

صفحه ۷

به پروژه گسترش جغرافیایی تشکیلاتهای فدراسیون یاری رسانید

صفحه ۳

فرار پناهندگان ایرانی بسمت مرز اردن همچنان ادامه دارد

صفحه ۶

تا پیروزی کامل راه زیادی نداریم شاهین بقدادی

صفحه ۲



با سرکوب خونین انقلاب ایران و تحمیل يك زندگي فوق ارتجاعي به مردم، دهها هزار انسان گريخته از دست جمهوري اسلامي، تنها و بدون تشكّل راهي بسوي امنيت و آرامش در وراي مرزهاي ايران مي جستند. متشكّل كردن اين موج عظيم انساني حول مدرن ترين و انساني ترين دست آوردهاي بشري، دفاع بي قيد و شرط از حق پناهندي مردم ايران و قرار دادن اين مردم در کنار مبارزات انسان دوستانه و كارگري در غرب عليه راسيسم، فاشيسم و نابرابري اجتماعي، ايجاد سازماني غيرحزبي و فرامحلي بدون در نظر گرفتن مليت، مذهب، جنسيت و تعلق تشكيلاتي را به يك ضرورت فوري تبديل مي كرد. همبستگي \_ فدراسيون سراسري پناهندگان ايراني پاسخ منصور حكمت به اين ضرورت بود.

بقول او: " همه داستان زندگي ما تغيير زندگي انسان است."

## تا پیروزی کامل راه زیادی نداریم مصاحبه همبستگی هفتگی با شاهین بغدادی یک پناهنده موسوم به شمال عراقی در ترکیه

در پاسخ به بخش دوم این سؤال باید عرض کنم که یو ان از ما خواسته که در هر شهری از ترکیه که پناهندهای شمال عراقی در آن ساکن هستند نماینده ای انتخاب شود جهت ادامه مذاکرات با

یوئن. که تعدادی حدود ۱۶ نفر خواهند بود. در حال حاضر بزرگترین بهانه یوئن از عدم ابلاغ هرگونه اطلاعی در زمینه مشکل ما و راهکارها را نبودن نماینده از طرف میدانند. حال که ما به تمام شهرها ابلاغ نمودیم و آقای کمال محمدی مسئول جمآوری لیست کل نمایندگان پناهندگان شمال عراقی هست. در تماسی که من با ایشان داشتم متأسفانه گفتن که تا حالا بعد از حدود ۱۰ روز تنها ۶ شهر نماینده انتخاب نمودن. و مابقی شهرها با هم مشکل دارن. که من از اینجا از تمام پناهندگان خواشتمندم که جدا از هر دیدگاه سیاسی / منطقه ای و..... برای انتخاب نمایندگان خود همت کنند. چون انتخاب این نمایندگان میتواند سدی در مقابل این بهانه یوئن باشد.

### همبستگی هفتگی: با تشکر از شما بخاطر شرکت در این مصاحبه

شاهین بغدادی: من هم کماکان از همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمال تشکر را دارم که اینچنین خود را در مقابل سرنوشت پناهندگان ایران مسئول میدانند. و امیدوارم با هماهنگی هر چه بیشتر بتوانیم به نتیجه برسیم

نمایندگانی از ما بطور پراکنده طی نشستهای که با یوئن وان و انکارا داشتن گفتن که یوئن وزارت کشور و دولت ترکیه را مشکلی برای انتقال ما میدانند. درپاسخ بخش دوم این سؤال باید عرض کنم هنگامیکه ما کانال دقیقی که این مشکل را برای ما سازماندهی میکند را نمیشناسیم پس نمیتوانیم استراتژی دقیقی در مقابل این مشکل داشته باشیم. اما در اصل وجود یک کمپین جهانی را برای حل این مشکل لازم میدانیم.

### همبستگی هفتگی: نقش خود پناهندگان شمال عراقی در موفقیت این کمپین چیست؟ و بنظر شما سایر پناهندگان شمال عراقی در شرایط کنونی و برای رسیدن به مطالباتشان چه باید بکنند؟

شاهین بغدادی: پناهندگان شمال عراقی نقش بسزایی در این کمپین دارند و خواهند داشت. پناهندگان در درجه اول باید متحد و هماهنگ باشن. که متأسفانه ما در این زمینه مشکل داریم. پناهندگان با اتحاد و پی ریزی استراتژی دقیق و هماهنگ با کمپین سراسری در این زمینه میتوانن تا حدی زیادی به حل شدن کارشان کمک کنند. که این خیلی سخت نیست فقط کمی همت و اراده میطلبد.



کار ژنو قرار گرفته. که این خود به تنه‌های جایی بسی امیدوار نیست. در ضمن عدم دیپورت به ایران و عراق و اسکان ندادن ما در ترکیه بعنوان کشور سوم تکمیل کننده این امیدوار نیست که کار ما در مرحله پایانی یعنی انتقال به کشوری دیگر قرار دارد.

### همبستگی هفتگی: بنظر شما معضل و گره کار پناهندگان شمال عراقی کجاست؟ و راه برون رفت از این معضل را چگونه میبینید؟

شاهین بغدادی: معضل کار ما پناهندگان شمال عراق در چیست. باور کنید جواب این سؤال برای خود ما پناهندگان نیز در پرده ای از ابهام قرار دارد. امنیت یا پلیس ترکیه که انعکاس دهنده سیاست وزارت کشور و در کل دولت ترکیه در مقابل ماست در نشستهای که با ما در اکثر شهره داشت مشکل انتقال ما را از ژنو و کمیساریای عالی پناهندگان در ترکیه دانست. و هنگامیکه که

تاریخ ۲۳ فوریه در دفتر اصلی کمیساریای عالی پناهندگان در انکارا ترکیه صورت گرفت از ساعت ۲ بعد از ظهر تا ساعت ۷ عصر به درازا کشید که من متأسفانه ۱ ساعت دیرتر توانستم خودم را به این جلسه برسانم. این جلسه محور اصلی بحث خود را در حل مشکلات شمال عراقیها در ترکیه متمرکز کرده بود. دلیل عدم انتقال پناهندگان شمال عراقی / و اعلام صریح موضع [unchr] در قبال این پناهندگان سئوالته مهمی بود که از طرف نماینده فدراسیون مطرح شد. همچنین بررسی فایلهای بسته که به پرونده بستهها معروفند در این جلسه از طرف نماینده فدراسیون مورد سؤال و بررسی قرار گرفت که ایشان در گزارش خود صریحا و کامل به آن اشاره نموده اند.

### همبستگی هفتگی: ارزیابی شما بعنوان یک پناهنده موسوم به شمال عراقی از این مذاکرات چه بود؟ چه نکات امیدوار کننده و جدیدی داشت؟

شاهین بغدادی: ارزیابی که من وکل پناهندگان از نتیجه این مذاکره داریم امید وار کننده هست. در این جلسه برای اولین بار رسماً به ما اعلام شد که در اول سال ۲۰۰۵ ما بعنوان پناهنده به معنای کلمه در ژنو شناخته شده ایم. و حل مشکلات ما که بطور اخص انتقال ما میباشد در دستور

### همبستگی هفتگی: شاهین بغدادی شما بعنوان یکی از پناهندگان شمال عراقی در جلسه نماینده ویژه فدراسیون با مسئولین کمیساریای پناهندگان در ترکیه حضور داشتید خواهی مژاگرات ابتدا کمی در مورد خودتان بطور مشخص و وضعیت زندگي پناهندگان شمال عراقی در ترکیه توضیح دهید؟

شاهین بغدادی: من شاهین بغدادی هستم. در سال ۱۳۷۶ ایران را ترک نموده و تا سال ۱۳۸۱ در کردستان عراق بعنوان پیشمرگ حزب دمکرات کردستان ایران فعالیت کرده ام. در تاریخ ۹/۷/۲۰۰۲ خود را به دفتر نمایندگی کمیساریای عالی پناهندگان در وان ترکیه معرفی نموده. در تاریخ ۴/۱۲/۲۰۰۳ از طرف این سازمان کارت قبولی را دریافت نمودم. و تا این تاریخ که در خدمت شما هستم بلا تکلیف در ترکیه مانده ام. کلاً تعداد ۱۱۷۰ نفر پناهنده که به شمال عراق ما را می شناسند در ترکیه در یک شرایط واحد یعنی بلا تکلیفی بسر میبریم.

### همبستگی هفتگی: ممکن است شما نیز مختصری از سیر مذاکرات در جلسه روز چهارشنبه ۲۳ فوریه توضیح دهید؟

شاهین بغدادی: این جلسه که در

## به پروژه گسترش جغرافیایی تشکیلاتهای فدراسیون یاری رسانید

کجای جهان استقبال نموده و فدراسیون تماس بگیرند. پناهندگان و پناهجویان را برای ایجاد این واحدها فرا میخوانند. تشکیلاتهای فدراسیون از هفته دبیرخانه فدراسیون از کلیه پناهجویان و پناهندگان ایرانی در واحدهای جدید را در نشریات سایت این کشورها و یا در سایر کشورهای و رادیو و تلویزیون اعلام خواهد کرد.

دیگر میخواند بمنظور گسترش و تقویت صف جهانی دفاع از حق انسانی پناهندگی و مبارزه با تبعیض و راسیسم دولتی و غیردولتی به فدراسیون پیوسره و جهت سازماندهی فوراً به دبیرخانه

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی با توجه به حجم گسترده ارتباط پناهجویان و نیاز آنان به متشکل شدن در فدراسیون، در نظر دارد پروژه گسترش جغرافیایی تشکیلات فدراسیون را فعالانه در کشورهای مختلف جهان به پیش برده و سازمان دهد. همچنین در نظر داریم واحدهایی در کشورهای روسیه، اوکراین، بلغارستان، کره جنوبی، دوی، کویت و امارات نیز ایجاد کنیم دبیرخانه فدراسیون از تاسیسی دفاتر و واحدهای فدراسیون در هر

جهانی همبستگی  
همبستگی فدراسیون سراسری  
پناهندگان ایرانی  
۴ فوریه ۲۰۰۵

## پیشنهادات راسیستی اخیر حزب مردم سوئد در باره "خارجیان" را قاطعانه افشا میکنیم!

برای پناهندگان و مهاجرین بوجود آورده است، شاید بتواند با اقبال کوتاه مدتی روبرو شود. اما ما شدیداً با آنها به مخالفت برخوایم خواست و همه انسانهای آزادیخواه و متمن جامعه سوئد را فرا می خوانیم که با چنین برنامه های راسیستی به هر ترتیب که می توانند مخالفت کنند. از نظر ما پناهندگی يك حق بی چون و چرای انسانی است و نه تحفه ایی که به کسی اعطا شود تا بعداً به خاطر هزار و يك بهانه بتوان آنرا پس گرفت و با سرنوشته انسانها بازی کرد. ما طرفدار شمولیت یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد و غیره باید بعنوان يك اصل تخطی ناپذیر در جامعه هستیم. هر نوع تبلیغ نفرت مذهبی، ملی، و قومی، نژادی، و جنسی باید ممنوع شود. ما

مبارزه برای جلوگیری از وقوع جرم و جنایت حزب مردم سوئد اینها را می داند. ولی می خواهد با ایجاد دبینی بر علیه بخشی از ساکنین سوئد و انجام تحریکات خارجی ستیزانه، دل مردمی را که متاسفانه تحت تاثیر تبلیغات راسیستی هستند بخود جلب کند و در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ آراء آنها را بلست آورد. همین حزب در آستانه انتخابات پیشین نیز با پیشنهادی بمیلان آمد که برخورداری از حقوق شهروندی را برای بخشی از ساکنین کشور به انجام تست زبان سوئدی گره می زد!

این پیشنهادات راسیستی حزب مردم سوئد در شرایطی که راسیسم هیات حاکمه جوامع غربی و بویژه اروپا شرایط غیر قابل تحمیلی را

"خارجیان" و "سوئدیا" که جرمی مرتکب می شوند، راسیستی است. جرم، جرم است و است. باید مطابق قوانین جزایی يك کشور و با حفظ حقوق متهمان به آن برخورد شود. موازین محاکمه متهمان و مجرمین باید بلور از هر گونه تحریک و پیشداوری های قومی و ملی و مذهبی باشد. از طرف دیگر مجازات های انتقامی و باصطلاح عبرت آموزانه باید با مجازاتهای معطوف به اصلاح مجرم جایگزین شود. مصون داشتن جامعه از وقوع جرم با اخراج کسی حل نمی شود. ایجاد شرایطی که امکان بروز جرم و جنایت را کاهش می دهد، برخورد با نابسامانی های اجتماعی، حل مشکل بیکاری، مبارزه با سیاست گنو سازنها، اقدامات آموزشی پیشگیرانه در مدارس و غیره راه حل واقعی

پیشنهادات اخیر گروه "بهم پیوستگی" حزب مردم سوئد در ارتباط با چگونگی برخورد با "خارجیان" که مرتکب جرم و جنایت می شوند، چیزی جز راسیسم آشکار نیست. مطابق این پیشنهادات که قرار است در مجمع سراسری این حزب در ماه اوت ۲۰۰۵ تصویب شود، خارجیان که به ۳ سال زندان محکوم شده و یا به دلیل انجام جرمی ۳ بار حکم زندان برای آنها صادر شده، باید از سوئد اخراج شوند. این پیشنهاد راسیستی است چرا که در برخورد به متهمان، تعلق قومی، ملی و مذهبی را دخیل می دهد. "خارجی" بودن و بدینا آمدن در يك کشور دیگر، به حزب مردم سوئد این مجوز را می دهد که به مجرم طور دیگری برخورد کند. این برخورد دوگانه به

همبستگی - فدراسیون سراسری  
پناهندگان ایرانی واحد سوئد  
۲ مارس ۲۰۰۵

جمع پناهندگان حاضر شد. او به درد دل پناهجویان گوش داد و با آنها ابراز همبستگی کرد. وی نیز قول داد که از طریق نمایندگانشان در پارلمان سوئد، موضوع محکومیت جمهوری اسلامی ایران را دنبال کند

این مذاکرات برای تاثیرگذاری بر روی احزاب پارلمانی سوئد، در کنار مبارزه و اعتراض ما در خیابان، تاثیر خوبی در بازتاب اوضاع ناامن ایران و خواست و تمایلات پناهندگان مبنی بر متوقف کردن اخراجها به جمهوری اسلامی داشت. در روزهای آتی قرار است که با نمایندگان حزب سوسیال دمکرات و حزب مردم نیز دیدار شود.

همبستگی - فدراسیون سراسری  
پناهندگان ایرانی واحد مالمو

۲ مارس ۲۰۰۵

## دیدار هیئت فدراسیون با نمایندگان احزاب پارلمانی سوئد

پناهندگان مخفی در سوئد و بحث در مورد

دادن اقامت جمعی به پناهندگان مخفی بود  
Partik Strand نماینده حزب چپ در مالمو اعلام داشت که حزب چپ سوئد از اوضاع ناامن ایران مطلع است و گفت که این حزب با دادن اقامت دسته جمعی به پناهندگان مخفی موافق است ولی تاکید کرد که دو حزب عمده که اکثریت آراء را در مجلس دارند با این ایده مخالف هستند. ما از ایشان خواستیم که برای ارائه قطعنامه و یا قرار به مجلس سوئد در محکومیت رژیم ایران تلاش کنند و از آنها در این رابطه قول مساعد گرفتیم.

Einar Persson

مرکز در مالمو صحبتهای ما در باره ایران و وضع پناهجویان ایرانی را با دقت گوش کرد. ایشان اطلاع چندانی از اوضاع ایران نداشت و صحبتهای روشنگر ما برایش جالب بود. وی قول داد که خواست و تقاضاهای هیئت مذاکره کننده فدراسیون را به سطح بالاتر حزبی اطلاع دهد و ما را از اقدامات خودشان در محکومیت جمهوری اسلامی ایران با خبر سازد.

Karolina Algotsson

مسئول حزب محیط زیست در شهر مالمو خود شخصاً به لوکال فدراسیون آمد و در

پارلمان سوئد در مالمو اعلام داشت که حزب چپ سوئد از اوضاع ناامن ایران مطلع است و گفت که این حزب با دادن اقامت دسته جمعی به پناهندگان مخفی موافق است ولی تاکید کرد که دو حزب عمده که اکثریت آراء را در مجلس دارند با این ایده مخالف هستند. ما از ایشان خواستیم که برای ارائه قطعنامه و یا قرار به مجلس سوئد در محکومیت رژیم ایران تلاش کنند و از آنها در این رابطه قول مساعد گرفتیم.

در ادامه کمپین فدراسیون در شهر مالمو در اعتراض به سخت تر شدن قوانین پناهنده پذیری و در دفاع از حق پناهندگی، در دو هفته گذشته طبق برنامه قبلی ستاد مبارزاتی، چندین دیدار با نمایندگان احزاب پارلمانی سوئد انجام گرفت. هیئت هایی از فدراسیون که متشکل از پناهندگان و مسئولین فدراسیون بودند، به دیدار جداگانه نمایندگان احزاب چپ، مرکز، محیط زیست و حزب مدراتها در شهر مالمو رفتند. هدف از این دیدارها منعکس کردن شرایط ناامن و خفقان آمیز ایران، توضیح دلایل فرار ایرانیان از کشور، وضع

# در روز ۸ مارس به ریشه های نابرابری و آوارگی گسترده زنان اعتراض کنیم

میدانیم. ما ریشه سخت جان حکومت اسلامی و اسلام سیاسی و واتیکان را در منافع سیاسی و اقتصادی سرمایه می بینیم. ما جزو جنبشی هستیم که برای دفن کردن بی حقوقی زنان در تلاش است تا این ریشه ها را یکجا بخشکاند. ما در یکی از مهمترین و جان سخت ترین جبهه های این نبرد یعنی مبارزه با نظام سراپا زن

ستیز و سمبل عریان ترین شکل آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی مبارزه میکنیم. مبارزه علیه جمهوری اسلامی و سرنگونی این رژیم از طریق يك انقلاب عظیم توده ای در حقیقت مبارزه با یکی از خشن ترین جلوه های ستم و تبعیض و بی حقوقی زنان است. در روز ۸ مارس باید گریبان

مسببین اصلی فرودستی و ستم و بی حقوقی زنان را محکم گرفت. باید نظام و طبقه ای که از فرودستی و ستم بر زنان سود میبرد را زیر آماج حملات و نقدها قرار داد. در روز ۸ مارس باید به صف جهانی دفاع از حقوق برابر و انسانی زنان پیوست و تمام حقوق انسانی را یکجا برای زنان در هر کجای جهان مطالبه کرد

فرارسیدن ۸ مارس پیش از آنکه فرصتی برای جشن گرفتن باشد فراخوانی برای ادامه و تشدید مبارزه برای آزادی نیمی از مردم کره زمین از ستمی خاص و ضد بشری است با ما به این اعتراض پیوسته و همراه با سازمان آزادی زن، حزب کمونیست کارگری ایران اعلام کنیم که: آپارتاید جنسی در ایران ممنوع

است.

دست مذهب و حکومت مذهبی از زندگی زنان کوتاه

باز پس فرستادن پناهجویان به جامعه ای که در آن آپارتاید جنسی و توحش ضد زن حکومت میکنند ممنوع است.

**همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی**  
۳ مارس ۲۰۰۵

## ۸ مارس، مرگ آپارتاید جنسی را اعلام کنیم



میدهد که در هر شرایطی مسئله حرمت و برابری انسان شرط بقا جامعه مدرن و آزاد است. جا دارد در آستانه ۸ مارس و در روز ۸ مارس همصدا علیه نابرابری زن و مرد به خیابانها بیاییم.

خودمان تبدیل کنیم. میتوان افکار عمومی جامعه بشری را بنفع خود بیدان آورد، میتوان با اتحاد خود نیروی عظیم انسانهای سکولار، برابری طلب را بنفع خود بیدان آورد. جنبش برابری زن و مرد جنبشی جهانی و عظیم است. جمهوری اسلامی قدرت مقابله با آنرا ندارد و نخواهد داشت. در روز هشت مارس حجابها را آتش بزیند تا مرگ رژیم آپارتاید جنسی در ایران را در هر کوی و برزن جار دهیم.

زنده باد هشت مارس زنده باد آزادی و برابری

کدام محله است تقسیم میشوند و اینها جای دفاع از حقوق انسانی را گرفته است. این بشر نیست که احترام دارد بلکه مذهب، ملیت، و فرهنگ احترام دارند. نظر فلان آخوند یا کشیش و یا رهبر قبیل به صدر اخبار مییاید. همه اینها نشان از زیر پا گذاشتن دستاوردهای بشر مدرن تحت حاکمیت نظم نوین میباشد که قداره بندانی چون بوش و بلر در جلو این صف حمله به بشریت قرار دارند.

در پرتو این وضعیت غیر انسانی و در آستانه ۸ مارس لازم است بگویم که زنان در کشورهای اسلام زده اولین قربانیان این فضای سیاه و غیر انسانی نظم نوین هستند. به پاکستان، افغانستان، الجزائر، عراق، ایران و دیگر کشورهای مسلمان، یهودی، مسیحی ویا اهل

به يك جنبش سراسری و دنیایی تبدیل کرد حضور و تلاش جنبش کارگری و کمونیستها برای آزادی و برابری است. امروز با وجود دنیای بعد از جنگ سرد و نیز سیاست نظم نوین جهانی تلاش میشود که برابری زن و مرد تحت نام جامعه چند فرهنگی و سیاست راسیستی نسبیّت فرهنگی نادیده گرفته شود. امروز میتوان به فاکتور های زیادی اشاره کرد که نشان میدهد چگونه میخواهند دست آوردهای بشر مدرن را نادیده بگیرند. زمانی دفاع از حقوق انسانی و تلاش برای حرمت انسان در صدر مسائل بود اما اکنون دفاع از فرهنگ، مذهب و اخلاق و خرافات دارد جای حرمت انسانها را میگیرد. در سیاست نظم نوین انسان اعتبار ندارد بلکه انسانها را به مسلمان، یهودی، مسیحی ویا اهل

## گزارشی کوچک از تشکیلی بزرگ

### مجید پستچی

فدراسیون در آمده و میخوانند ۱۳ مارس پناهندگان بیشتر حس میشود. رسماً تشکیل واحد خود را جشن بگیرند. پس از اتمام کارم در مورد سازمان جوانان، این خبر فوق العاده خوشحال شدم و با خود اندیشیدم که با وجود فشارها و جوسازیهایی دولتهای اروپای هر روز نیاز پناهندگان برای متشکل شدن در فدراسیون سراسری

در سفری که من برای تشکیل واحد استان رورگیت سازمان جوانان کمونیست به آلمان ( رورگیت ) قرار دارد مطلع شدم تعداد داشتم از طریق فعالین فدراسیون در شهر زیادی از پناهندگان این شهر به عضویت

# من بر نمیگردم

## کمپین دفاع از حق پناهندگی زنان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی

### به کجا پناه برم؟!

#### معصومه گاهانی

از جمله این فعالیت هاست که آخرین برسانند و آیا جز این است که این تظاهرات در تاریخ ۱۵ فوریه و آینده من و دختران ۲۲ ، ۲۰ ، ۱۸ ، جلوی اداره مهاجرت مالمو در ساله ام است ، دخترانی که پس از ۳ اعتراض به حق پناهندگی با استقبال سال زندگی در اروپا و تحمل تمام عده زیادی از مردم و همچنین سختی ها حالا باید باز گردند !!!

انعکاس در روزنامه های جنوب الان بیش از ۱ سال است از دسامبر ۲۰۰۴ که پاسخ رد از اداره اتباع خارجی گرفته و حق مدرسه

اما با وجود این اداره مهاجرت سوئد و همچنین اداره اتباع خارجه

دلایل مرا به عنوان زنی معترض و انسانی سیاسی که در اعتراض

به نابرابری و تبعیض جنسی و ایم. مقامات سوئدی هیچ گونه

حقوقی حاکم بر ایران آنجا را ترك کرده و حاضر به ادامه زندگی در

شرایط نابرابر و جو خفقان زده اسلامی آن نیستم را رد کرده است

و قبول ندارد. همچنین ادعای من را مبنی بر روابط آزاد دخترانم با

جنس مخالف و در کشور سوئد که با مجازات از طرف پدر آنها و

قانون ایران روبرو خواهد شد و بارها در تهدید و اذیت های همسرم چه در

ارتباط با خود من یا اعضای فامیل و خانواده ام که در ایران هستند آنها را اعلام کرده قبول نمیکنند و دلایل

ردی آنها بالای ۱۸ سال بودن آنها و اجازه انتخابشان را در زندگی ذکر

میکنند !!! در کدام قانون اسلامی است که

دختر بالای ۱۸ سال میتواند شخصا تصمیم بگیرد و انتخاب کند . آیا

قانون اسلامی جدا از این است که پدر عمو و دایی دختر حق دارند او را

اگر خلاف شرع عمل کند بقتل

من معصومه گاهانی متولد سال ۱۳۳۵ بمدت ۳ سال است که بهمراه ۳ دخترم در سوئد هستیم. البته یکی از دخترانم بعد از ۲ سال دوری در حالی که او را ناچارا از ایران ترك کردیم به ما پیوست. ایران را به دو دلیل اول به دلیل وجود قوانین ظالمانه و ضد زن که در آن زن به عنوان دسته پنجم مینگردد و هیچ حقوقی برای زنان خصوصا در مقایسه با مردان قائل نیست و دوم بدلیل اختلاف با همسرم که آن هم ناشی از فساد سیستم حاکم و قدرت دادن به مرد به عنوان رییس و دارای



حق برتر میشود ترك کردم . همسرم که مردی ارتشی و متعصب بود با پشت گرمی به نظامی که حامی او

به عنوان جنس برتر بود و از حربه ای از خشونت گرفته تا بی پناهی من و دختران سو استفاده میکردو با

عقاید متعصبانه خود قصد داشت دخترانم را به زور وادار به ازدواج و ترك تحصیل کند.

اگر تقاضای طلاق میکردم فرزندانم همان حقوق نداشته را هم از دست میدادند. اگر شکایت میکردم در

نهایت قانون، حق را به او میداد و من از قبل تحت فشار قرار میگرفتم

این بود که مخفیانه و به صورت غیر

ادامه از صفحه قبل رفتیم و من هم با دیدن اشتیاق و جمع گرمشان به شوق آمدم و برایشان حدود يك ساعتی در مورد نقش تشکل و سازمان دهی و شرکت در آن سخنرانی کرده و تجربیات و دانسته های خود را هم بعنوان يك پناهنده هم يك مسئول واحد فدراسیون سراسری پناهندگان در هلند به

آنها انتقال دادم. جمع بسیار گرم و صمیمی بود و سوالات فراوانی را پیش روی من قرار دادند که همه آنها از هر گوشه ای میزان آمادگی آنها به تجمع در آن محل و دانستن راه های مبارزاتی برای عقب راندن سیاستهای ضد انسانی دولت آلمان را نشان میداد. من هم به

نوبه خودم توانستم این موارد و محور اصلی

مبارزاتی فدراسیون که همان تشکل و سازماندهی زیر پرچم انسانیت است را برایشان توضیح دهم.

من تا ساعت هفت و نیم توانستم آنجا باشم و پس از آن با آنها وداع کرده و به راه افتادم. این سه روز سفر من برابم پرورنده خاطراتی جدیدی از روزهای مبارزاتی را باز کرد. از این رو که

توانستم در سه روز متوالی هم در تاسیس و امیادورم شما نیز روز ۱۳ مارس در مراسم واحد: آنها در این شرایط که مردم مبارز در ایران هر روز میروند خط جبهه مشترک

مخالفین انقلاب بر علیه جنبش مترقی و برابر طلب مردم را عقبتز زند و این برای من که توانستم نقش کوچکی داشته باشم باعث مسرت و شادی شد.

مبارزاتی فدراسیون که همان تشکل و سازماندهی زیر پرچم انسانیت است را برایشان توضیح دهم.

من تا ساعت هفت و نیم توانستم آنجا باشم و پس از آن با آنها وداع کرده و به راه افتادم. این سه روز سفر من برابم پرورنده خاطراتی جدیدی از روزهای مبارزاتی را باز کرد. از این رو که

## تحریکات ضد خارجی موقوف!

### حسن صالحی

ادامه از صفحه ۴

باید تا حداقل ۱۰ سال ادامه یابد. بعلاوه طبق این پیشنهادات افرادی که وارد سوئد شده و زنی را مورد ضرب و شتم قرار داده اند نمی توانند دوباره به سوئد برگردند. همچنین برای خارجیانی که جرایمی نظیر قتل ناموسی، خشونت علیه زنان، کمک به ختنه زنان، ازدواج با کودکان و ازدواج اجباری مرتکب می شوند، پیشنهاد اخراج مادام العمر از سوئد شده است. همه این برنامه ها در بسته بندی عامه پسندی نیز ارائه شده است. می گویند که این خارجیان هستند که از چنین پیشنهاداتی استقبال می کنند چرا که از این طریق منافع اکثریت آنها در مقابل اقلیت خلاف کار خارجیان محافظت می شود!

بدون شك کسی طرفدار جرم و جنایت نیست. بخصوص جرم و جنایت علیه زنان و دختران در محیط های اسلام زده و مذهبی که خود ما در بیدار کردن جامعه نسبت به بروز چنین جنایاتی نقش داشته ایم. صحبت بر سر این است که چرا تا پای خارجیان به وسط کشیده می شود باید دو قانون

داشته باشیم؟ این الگوی دوگانه برخورد به "خارجیان" و "سوئدیها" از کجا آمده است؟ این رجوع دایم به تعلقات قومی و مذهبی و جداسازی انسانها بر این محورها دل چه کسانی را خوش می کند؟ آیش به جوی چه کسی می رود و سرانجامش چه خواهد بود؟ آیا قرار است حقوق متهمین با توجه به تعلقات قومی و مذهبی شان از نو تعریف شود؟

حزب مردم سوئد نه نگران بروز جرم و جنایت است و نه واقعا دلش برای کسی سوخته است. همه می دانند که مشکل وجود جرم و جنایت را نمی تواند با اخراج عده ای حل کرد، درست به همان دلیل که "سوئدیهایی" که مرتکب جرم و جنایت می شوند را نمی شود از کشورشان اخراج کرد و به این ترتیب انتظار حل مسئله ای را داشت. حزب مردم این را خوب می داند. با اینحال حزب مردم با سر و صدا راه انداختن بر سر "خارجیان" می خواهد بر موج خارجی ستیزی سوار شود که متأسفانه در اروپا در حال نیرومند شدن است. دولتمردان و سیاستمداران اروپایی برای جلوگیری از ورود پناهندگان به اروپا هر روز قوانین و مقررات شدیدتری تصویب و اجرا می کنند. موج حملات برای اخراج پناهجویان بالا گرفته است.

منجمله در آلمان، انگلیس و سوئد هر روز شاهد این ماجرا هستیم. برای اینکه این حملات به پناهنده قابل قبول جلوه گر کند باید علیه آنها جنگ روانی راه انداخته شود. "خارجیان باعث ازدیاد جنایتند"، "خارجیان تقلب کارند"، "خارجیان مشکل سازند" و غیره از جمله تبلیغات منفی بر علیه پناهندگان گریخته از جنگ و خطر جانی است. جرم این آدمها حتی زمانی که مرتکب خلافی می شوند پیش از هر چیز این است که در کشور دیگری بدنیا آمده اند. باید از دستشان خلاص شد و "بگذاریم سوئد مال سوئدیها باقی بماند!" نام این را چه می شود گذاشت جز راسیسم؟ هیچ انسان آزادیخواه و برابری طلبی حاضر نیست این نمایش تحقیر آمیز و راسیستی را بپذیرد. حزب مردم اشتباه فکر می کند که می تواند بر روی تحریکات راسیستی حساب باز کند. آش این تحریکات راسیستی چنان شور است که صدا اعتراض از درون خود حزب مردم سوئد نیز بر علیه چنین پیشنهاداتی بلند شده است. شاید اینطور باشد که تاریخ مصرف این پیشنهاد حزب مردم نیز همچون پیشنهادات گذشته با خاتمه یافتن تبلیغات انتخاباتی تمام شود. ولی ما نباید نسبت به این مسائل بی تفاوت باشیم. هر گونه تحریکات

خارجی ستیزانه را باید با شکست مواجه ساخت. هر گونه تبعیض گذاشتن میان انسانها باید پایان یابد. رفع تبعیض از جمله بدین معناست که شمولیت یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد و غیره باید بعنوان يك اصل تخطی ناپذیر در جامعه برقرار باشد. انتساب افراد، فردی یا جمعی، به هر نوع تعلق قومی و مذهبی در اسناد رسمی، رسانه ها و غیره باید ممنوع اعلام گردد. هر نوع تبلیغ نفرت مذهبی، ملی، و قومی، نژادی، و جنسی باید ممنوع شود. از نظر ما حق پناهندگی که امروز مورد تعرض دولت های مختلف جهان قرار گرفته است يك حق انسانی است و نه "صدقه دادن" به کسی و یا گروهی. انسانهایی که به هر دلیل در کشور دیگر سکنی گزیده اند، "میهمان" آن کشور نیستند که هر وقت "میهماندار" از آنها خسته شد، به اخراج محکومشان کند. این انسانها، ساکنین متساوی الحقوق آن کشور هستند که مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی باید از برابری کامل برخوردار باشند.

سازمان ملل فشارهای خود را به این سازمان، جهت تامین مایحتاج و نیازمندیهای زیستی، دارویی این پناهجویان و در همان حال انتقال فوری کلیه پناهندگان به کشور امن سوم، تشدید کرده و این موضوع را در مجامع بین المللی پیگیری خواهد کرد.

**همبستگی فدراسیون  
سراسری پناهندگان ایرانی  
۲ مارس ۲۰۰۵**

کشور سوم ذکر کرده است. يك مقام اردنی به نماینده پناهندگان ایرانی گفته است اگر کمیساریای پناهندگان سازمان ملل به ما تضمین دهد که همه شما را به کشور امن سومی انتقال دهد ما آماده ایم که همه شما را در خاک اردن بپذیریم. اما ما قادر نیستیم برای مدت طولانی تعداد زیادی پناهنده را در خاک خود نگهداریم. همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ضمن اعتراض شدید به کمیساریای پناهندگان

## فرار پناهندگان ایرانی بسمت مرز اردن همچنان ادامه دارد

**طی چند روز گذشته ۳۳ پناهنده ایرانی خود را به مرز اردن رسانده اند**

رسانده که با پیوستن این ۳۳ پناهجو تعداد این پناهجویان به ۱۶۲ نفر میرسد. این در حالیست که این پناهجویان با کمترین امکانات زیستی، پوشاکی و سوخت آنهم در هوای فوق العاده

براساس خبرهای رسیده به دبیرخانه همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی سیل فرار پناهندگان ایرانی از الطاش کماکان ادامه دارد. در يك ماه گذشته تعداد ۱۲۹ نفر خود را به مرز اردن

# به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بپیوندید

## ناسیونالیسم در پوشش دفاع از پناهنده

### در نقد مقاله پناهنده نه زنده نه مرد

#### بابک شدیدی

میکنند تا شاید خریداری برای اراجیف خود پیدا کند اما بعد ماسک چند چهره بر میدارد و صریح به زبان رایس امور اتباع خارجی جمهوری اسلامی صحبت میکند و از ترهای کهنه جمهوری اسلامی در قبال مقوله پناهنده‌گی دفاع میکند.

کیست که نداند چه بلایی که بر سر پناهنده افغانی در این ۳ دهه نیامده است. یک پناهنده افغانی شب و روز ندارد در هول و هراس زندگی میکند، یک روز حق کار را از او میگیرند، یک روز تحصیل را از او سلب میکنند. نگه داشتن پناهنده افغانی و به مرگ گرفتن او را به تب راضی می کنند. مایحتاج اولیه زندگی انسانی آنها به سختی تهیه میشود. احترام و شان اجتماعی در جمهوری اسلامی ندارند. فاقد هر گونه بیمه درمانی هستند. در سیستم قضایی جمهوری اسلامی مقامی کمتر از یک حیوان را دارند. در صورت زیر کردن یک افغانی با ماشین، حکمی یکسان با زیر کردن یک گاو با ماشین صادر میشود. تعجب نکند یک انسان زنده را در حد یک حیوان نزول داده اند. سخت ترین کارها و مشقتی که یاد آور عصر برده داری است را بر دوش او انداخته اند. حمل مصالح سنگین ساختمانی که باید با وسایل مکانیکی انجام شود را بر دوش یک انسان انداخته اند. آنگاه نویسنده و پهلوان پنبه ای مدافع پناهنده‌گی یک دفعه اعلام میکنند که کار را از دست جوان ایرانی روده است !!! آیا مشکل بیکاری را باید در سیستم سرمایه

اخیرا مقاله ای در سایت های اینترنتی منتشر شده که لازم دانستم به نکاتی از آن بپردازم. این مطلب به عنوان پناهنده نه زنده نه زنده آمده است. نویسنده این مطلب که به پاره ای دلایل از معرفی خود سر باز زده و فقط اعلام کرده که پناهنده ای در شهر وان است. حالا جالب است که بدانیم این آقای ناشناس چه تصویری از مسئله پناهنده‌گی و دنیای نوین دارد و اصولا اعتراضشان به کجا محدود میشود.

ایشان در ابتدای مطلب توضیح میدهند که پناهنده‌گی معظلی است که با محکم شدن پایه های استبداد رژیم جمهوری اسلامی گریبان مردم را گرفته است و امروز ایران بزرگترین صادر کننده و وارد کننده پناهنده در کل دنیا است. آماری ارائه میدهد که حدود ۲ میلیون افغانی در ایران پناهنده شده اند و به همین تعداد پناهنده ایرانی در امریکا ساکن شده اند سپس به مقایسه این دو دسته از پناهندگان میپردازد. ایشان ادعاهای وحشتناکی در رابطه با پناهنده‌های افغانی مطرح میکنند. پناهنده‌های افغانی در بدو ورود به ایران مجبور نیست که خود را به یوان معرفی کنند چون جمهوری اسلامی را حامی خود میدانند. جمهوری اسلامی به راحتی به آنها برهه‌گامت کار، مسکن و گاه کمک مالی میکند !!! و از این هم بالاتر ایشان ادعا میکنند که پناهنده افغانی کار را از دست جوان ایرانی روده است و مشکل بیکاری جوانان را همان افغانی های از خی بی خبر میدانند !!! آقای نویسنده ابتدا مخالفت خود را با جمهوری اسلامی بیان

و خودی و بیگانه !!! هیچ نوع فاکت انسانی در این دسته بندی دخیل نیست گویی کسی چون در ایران متولد نشده انسان نیست. افغانی هم جرمش این است به طوری که جایی اعلام میکند با جان سختی زبان فرسی را یاد گرفته و خود را تثبیت کرده است. تراوشات ذهنی آقای نویسنده این را هم برای افغانی جرم میدانند چرا زبان فارسی یاد گرفته ای !!!

البته از حق نگذریم ایشان از حقوق انسانی هم صحبت میکنند از اعتراض به بی حقوقی پناهنده هم حرف زده آمار وحشتناکی هم از وضعیت پناهنده ها در وان ترکیه داده است اما گویا فقط این درخواست برای ملیت و خون و دی ان ای مورد نظر او باید وجود داشته باشد و کسانی دیگر حق در این قبال ندارند. نفرت بی پایه ایشان از ملیت های دیگر چون کرد و عراقی و حتی اقلیت های مذهبی به خوبی هویدا است و بالاترین انگشت اتهام را این بار بیره خانه به سوی مردم ترکیه هم میچرخاند و شاید در دل آرزو میکند کاش کوروش زنده میشد و دخل همه شما را می آورد !!! اهالی شهر وان در بدرفتاری با پناهنده ایرانی شریک اند. این مسئله به هیچ وجه قابل قبول نیست. انسانها همیشه به طور ذاتی یکدیگر را دوست دارند.

البته زبان ایشان یک شباهت منحوس دیگر را در ذهن انسان نشان میدهد که در پاراگراف های بعدی بسیار مشهود است و آن زبان ناسیونالیستی کثیف ضد انسانی و گروه های عظمت گرای ایرانی است. که همه مصیبت ها را در چیده شدن خارجی ها و آلوده شدن خاک پاک مملکت و حراج رفتن مملکت به دست بیگانگان میبیند. برای اینها یک طبقه بندی فاشیستی از انسانها وجود دارد هم خون

بیای دو خرداد به آنها اختصاص می دهد و بیشتر کسانیکه از داخل و خارج برای سخنرانی دعوت می کند از آن تیپ و قشر و قماشند و حتی یک بار هم ناپرهیزی نکرده و از چهره ها و شخصیت های مبارز و کمونیست دعوتی به عمل نیاورده (که حق هم داشته) و شمس الواعضین ها و بهنود ها و رئیس داناها و دیگر حامیان دو خرداد آزادیخواه و قهرمانش هستند و عکس های شش در چهار آنها در کنار فرخ

نگهدار و ... صفحات اول شهروند را مزین می کند فکر نمی کنید این چپهای افراطی و یا به قول شما ماورای چپ حق دارند شهروند را دو خردادی بنامند؟ ( که البته در مورد شهروند اینطور نیست). ولی استقلال طبقاتی و سیاسی به نظر من مفهومی ندارد. آقای زرهی در قسمت دیگری از مطلبشان در همین مورد می نویسند که " برای همین است که برخی از گروه های ماورای رادیکال چپ شهروند را اصلاح طلب و به قول خودشان " خاتمی چی " خطاب میکنند ". باید به آقای زرهی خاطر نشان کرد که با این تحلیل که در بالا آمد لازم نیست کسی حتما با خاتمی و یا خاتمی چی هایی که نامشان در بالا آمد جای بخورد و یا نمایند رسمی مثلا اکثریت باشد. وقتی نشریه ای بیشتر مطالبش را در طول هشت سال برو

ادامه از صفحه ۸ نشریات شهر را هم نمی شود مستقل نامید. من از آقای زرهی می پرسم که نشریه "ایرانیان" به نظر شما "استقلال" دارد؟ مطمئن هستم که مسئول آن نشریه هم ادعای استقلال را دارد و اگر چه از نظر مالی وضع خوبی هم ندارد، ولی کمتر کسی است که آن را در کنار راست پرو غرب و سلطنت طلب جای نهد.

آقای زرهی مطرح نمی کنند که این استقلال شهروند از چی و کی هست؟ آیا این استقلال از احزاب سیاسی هست، که تا حدودی می تواند معنی داشته باشد و حق ایشان است.



جای ملت مورد علاقه اش عده ای انسان با مشکل مذهبی فرار کنند. نکته جالب توجه در ایران این است که آیا در این ۲۵ سال شاهد این بودیم که چند بار برای خصومت های جمهوری اسلامی با اینان خانه های بهایی ها را به آتش کشیدند. چقدر از سوی وزارت اطلاعات رژیم شکنجه یا تهدید شدند. در اول انقلاب چه تعداد از آنها را اعدام کردند. همین امروز بهایی بودن در ایران جرم است. چه در ایران چه در ترکیه چه در همه دنیا پناهنده معضل همان سیستمی است که شما حامی آن هستید و پاشنه آشیل شما و سیستم سرمایه داری هم خواهد بود. آلت ناتیبو پناهنده‌گی القای مرزها و برپایی یک دنیا با نرم های انسانی که در آن انسان مطرح باشد نه ملیت نه مذهب نه هیچ گونه ایدئولوژی کثیف ضد انسانی دیگر. مسئله پناهنده‌گی و احقاق حقوق انسانها متعلق به یک جنبش رادیکال و انسانی است که پرچم آن در دست جنبش ماست. و نفی مناسبات دنیای کنونی در قبال پناهنده میباید افکار ناسیونالیستی شما امروز با قدرتمند شدن جریان کمونیست کارگری جایی برای عرض اندام و ابراز وجود حتی در دل عقب مانده ترین عنصر در جنبش پناهنده‌گی پیدا نمی کند.

ایشان لیبرال در جوامع غربی معنی ظاهریش در حرف حد اقل آزادیخواهی و طرفدار آزادی همه جریانات و احزاب هست. ولی لیبرالی که "حضور مزاحم کمونیست ها و دیگر اندیشان در شهروند" را نیز بر نمی تابد نمی داند فرقش با طرفداران بورژوازی هار آمریکا از قماش جرج بوش گرفته، تا به اصطلاح تازه لیبرال شده های دو خردادی در حاکمیت جمهوری اسلامی چیست؟

شاید اینطور باشد که در این مورد هم شهروند "عرض خود می برد و زحمت مردم را زیاد می کند".

آقای زرهی در قسمتی دیگر از مطلبشان می نویسند:

"اما جالب است که دوستان لیبرال و مدعی راه کارهای ساری و جاری در جوامع غربی در این حیظه نیز مدام از حضور مزاحم کمونیست ها و دیگر اندیشان در شهروند کله می کنند و حاضرند هر گونه فشار و اجحاف و اصراری را به خرج دهند تا بیانیته ها و نظریه های این گروهها از صفحات شهروند رخت برینند"

ضرب المثلی در فارسی می گوید " بگو دوستت کیست تا بگویم خودت کیستی؟". اگر واقعا دوستان "لیبرال" آقای زرهی از این قماشند وای به حال دوستان غیر لیبرال

## وابستگی شهروند و گرفتاری آقای زرهی!

### بابک یزدی

در روز یکشنبه ۱۳ فوریه خانم حوری صهبا جلسه‌ای در کتابخانه مرکزی نورت یورک ترتیب داده بود که در مورد مسائل پناهندگی صحبت می‌شد.

سخنرانان این جلسه شهزاد مجاب، عزت مصلی نژاد، حسن زرهی و هدایت نظامی بودند.

در ابتدا سخنرانان هر کدام حدود ۱۵ دقیقه صحبت کردند که به نظر من بهترین صحبت را خانم شهزاد مجاب انجام داد و به علل ریشه‌ای، طبقاتی و سیاسی مسائل پناهندگی در جهان پرداخته سپس جلسه به پرسش و پاسخ و اظهار نظر حضار اختصاص یافت.

در این قسمت برنامه بحث بیشتر حول شهروند و آقای زرهی متمرکز شد و به غیر از دو نفر تقریباً تمام کسانی که صحبت کردند هر کدام به گونه‌ای و با سبک خود به تقد و یا در مخالفت با شهروند صحبت کردند، که طبعاً هر فرد و جریانی مدافع شکل برخورد، انتقاد و اعتراض خودش خواهد بود.

خود من در نوبت ضمن تشکر از خانم صهبا و مجاب و دیگران به ویژه از آقای حسن زرهی و شهروند تشکر کردم که پس از سالها تبلیغ و ترویج و دعوت کردن از شخصیت‌های دو خردادی و توده‌ای اکثریتی نظیر شمس الواعظین و ابراهیم نبوی و فرخ‌نگه دار و ... بالا خزه به جرگه مدافعین پناهندگان پیوسته اند. صحبت من هر چند به گونه‌ای طنز آمیز بود ولی من واقعا از اینکه آقای زرهی هم به مدافعین پناهندگان پیوسته خوشحال و تبریک و تشکر واقعی بود و آمدن ایشان را بدین کمپ میمون و مبارک می‌خوانم. من در پایان صحبت‌م یک سوال نیز از پانل کردم. سوال مشخص من این بود که آیا ایران در حال حاضر امن هست یا نه؟ اگر آری که گذاشتن این جلسه بی‌معنی است، و اگر نه از چه زمانی ایران امن نیست؟ آیا از زمان شکست دو خرداد ایران دیگر امن نیست و یا در زمان برو بیای دو خردادی‌ها به تورتو هم ایران امن نبود؟

اگر جمهوری اسلامی در زمان اوج قدرت خاتمی و دو خرداد هم امن نبود چرا بعضی از شما دوستان در آن زمان به جای حمایت از پناهندگان، دعوت‌کننده یاران دور و نزدیک خاتمی از داخل و خارج از ایران به تورتو بودند؟

در ضمن از خانم صهبا پرسیدم که آیا فکر نمی‌کنید در این پانل جای نماینده‌ای از فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی که چندین هزار پناهنده را در ۱۵ سال گذشته از مرگ نجات داده و از دیپورت آنها به کشورهای گوناگون جلوگیری کرده است خالیست؟

آقای زرهی در پاسخ مطرح کردند که ایشان ۱۵ سال پیش که هنوز حزب کمونیست کارگری به دنیا نیامده بوده مقاله‌ای در "سایبان" در دفاع از پناهندگان نوشته‌اند. و در حال حاضر نیز شهروند تنها نشریه‌ای هست که اطلاعات و بیانیه احزاب و گروه‌های سیاسی را چاپ می‌کند. و البته سوال من در مورد امن بودن ایران از طرف ایشان بی‌پاسخ ماند!

آقای زرهی در "شهروند سه شنبه ۲۷ بهمن شماره ۹۶۳" در "سخن سردبیر" مطلبی نوشته‌اند تحت عنوان "استقلال شهروند و گرفتاری برخی گروه‌های سیاسی" که قابل بررسی است، و من چون یکی از کسانی بودم که ایشان را مورد خطاب قرار دادم لازم دانستم نکاتی را در این مورد مطرح کنم.

قبل از هر چیز به آقای زرهی تبریک می‌گویم بابت مطلب شان در ۱۵ سال پیش در دفاع از پناهندگان و هر کار دیگری که در این مورد کرده‌اند و در همین جا باید برای یادآوری آقای زرهی بگویم در ۱۵ سال پیش که ایشان این مطلب را نوشتند فدراسیون سراسری پناهندگان قبل از آن به ابتکار منصور حکمت و غلام کشاورز شکل گرفته بود نیز بسیار فعال و اکتیو در دفاع از پناهندگان کار و فعالیت می‌کرد و بعدها غلام کشاورز نیز توسط تروریست‌های رژیم اسلامی جانش را در این راه در جلو چشمان مادرش از دست داد. اما اینکه آقای زرهی بحث حزب کمونیست کارگری را در جلسه‌ی پناهندگان مطرح می‌کنند شاید نشانه علاقه فراوان ایشان به کمونیستها باشد! همچنین بابت بیانیه احزاب در شهروند کنونی، باید از ایشان تشکر کرد، اما اگر بیانیه احزاب و گروه‌ها نیز در شهروند چاپ نشود آنوقت چگونه می‌شود نشریه شهروند را از بقیه نشریات راست سلطنت طلب و بورژوازی شهر تفکیک کرد؟ در هر حال این کاریست مثبت و قابل ارزش و

قدرانی. ولی تقدی که به شهروند است در بیانیه‌ها (در حالی که چاپ می‌کند و به نحوی که چاپ می‌کند) نیست بلکه تقد این است که در سالهای گذشته شهروند بلند گو و مبلغ جریانات راست دو خردادی و توده‌ای اکثریتی بوده و مهندسی افکار این جریانات را می‌کرده و به شکلی خاک هم در چشم مردم می‌ریخته است.

آقای زرهی در مطلبشان می‌نویسند که "شهروند شاید تنها نشریه‌ی فارسی زبانی باشد که دیدگاه پیشین رایج میان ایرانیان در برخورد با تنوع اندیشه و سلیقه‌ی سیاسی و فکری و فرهنگی را به کنار نهاده است، و این استقلال عمل بر برخی خودبزرگ بینی‌ها هم در عرصه‌ی سیاسی و هم در حیطه‌ی فکر و فرهنگ گران می‌آید"

کلمه استقلال تا چندی پیش بار مثبتی داشت به همین دلیل خیلی‌ها از چپ و راست و از جمله حاکمان تازه جمهوری اسلامی هم شعار "استقلال" و "نه شرقی نه غربی" (که منظور آنها نه سوسیالیسم و نه سرمایه‌داری بود) را در آغاز حاکمیت خود مطرح می‌کردند. و شاید هنوز هم ترد خیلی‌ها و از جمله آقای زرهی این کلمه بار مثبتی داشته باشد. اجازه بدهید یک پله از این عقب تر رفته‌و به "سیاست" و "سیاسی بودن" هم سری بزنیم. بودند و یا هنوز هم هستند کسانی که افتخار می‌کردند و یا افتخار می‌کنند که "سیاسی نیستند!" و نه تنها می‌گفتند و می‌گویند که وابسته به هیچ حزب و گروه سیاسی‌ای نیستند بلکه مطرح می‌کرده و یا می‌کنند که "سیاسی نیستند". به همین سبب واژه "من سیاسی نیستم" هم افتخار خیلی‌ها بود و شاید هنوز هم هست. اما کم کم این افتخار را خیلی‌ها و از جمله خود آقای زرهی دیگر کنار گذاشته‌اند و تقاضای درستی به دیگر نشریات شهر این است که آنها می‌گویند "سیاسی نیستند".

و به این دلیل بیانیه احزاب و جریانات سیاسی راجع نمی‌کنند. بحث استقلال را هم سالهاست که خیلی‌ها مطرح می‌کنند از جمله بعضی از افراد سیاسی و خیلی‌ها هنوز هم پس از ۲۶ سال جنایات جمهوری اسلامی از شلاق و زندان و شکنجه و اعدام و سنگسار... و مشاهده و برخورد با مواضع جریانات سیاسی مختلف از چپ تا راست هنوز افتخار می‌کنند که "مستقل" هستند و به هیچ حزب و گروه

سیاسی وابسته نیستند. یعنی نمی‌توانند خود را در کنار تشکیلی برای مبارزه با رژیم اسلامی قرار دهند و این به نظر من انتقادی است جدی به آنها.

به همین دلیل باید بگویم برعکس آن دسته از دوستان "من افتخار می‌کنم که عضو فعال حزب کمونیست کارگری و یکی از بنیان‌گزاران سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران و کانون خاوران هستم" و نزدیک به سی سال هست که کار سیاسی، تشکیلاتی می‌کنم. و به هیچ وجه هم از "مستقل نبودن خود" پیشیمان نیستم. نه از فعالیت با مجاهدین قبل از انقلاب و نه همکاری با فائیان اقلیت پس از آن، و نه کار با راه کارگر تا شش سال پیش. همه اینها تجربه‌ای بود که مرا به مواضع امروزم رهنمون کرده. طبیعتاً علیرغم کار سازمانی و تشکیلاتی من اینها نظرات شخصی من است و ربطی به جریان سیاسی خاصی ندارد. من فکر می‌کنم افراد فعال و درگیر در مسائل سیاسی می‌توانند و باید اگر جلی هستند خود را درگیر کار سیاسی. تشکیلاتی و حزبی کنند (حالا هر جریان سیاسی که خود را بدان نزدیکتر می‌دانند) و گرنه باز هم تا سالها در بر همین پاشنه و بر همین روال خواهد چرخید، و رژیم اسلامی باز هم می‌تواند بر جنایات خود بیافزاید.

البته این حق طبیعی افراد هست که به جریان سیاسی خاصی وابسته باشند و یا نباشند و به عضویت آن در آیند و یا برعکس از جریانی جدا شوند. اما به راحتی می‌شود افراد سیاسی را هر چند هم به عضویت جریان سیاسی خاصی در نیامده باشند جایگاهشان را در کنار جنبش‌ها و احزاب سیاسی تشخیص داد. به طور نمونه در همین جلسه سخنرانی فکر کنم هیچ کدام از سخنرانان عضو و فعال هیچ جریان سیاسی خاصی نبودند. اما کمتر کسی بود که به راحتی پایگاه و جایگاه سیاسی، فلسفی، طبقاتی همه دوستان را تشخیص ندهد. بطور نمونه بیشتر حضار در جلسه شهزاد مجاب را زنی فعال در مورد مسائل زنان، اکتیویست، چپ و کمونیست ارزیابی می‌کردند. به همین شکل نشریات شهر را هم نمی‌شود مستقل نامید. من از آقای زرهی می‌پرسم که نشریه "ایرانیان" به نظر شما "استقلال" دارد؟، مطمئن هستم که مسئول آن نشریه هم ادعای ادامه در صفحه ۷

### هفته‌نگی

نشریه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

سردبیر:

فرشاد حسینی

آدرسها:

سایت اینترنتی هفته‌نگی:  
Www.hambastegi.org

پست الکترونیکی:

iffr@ukonline.co.uk

شماره تلفن:

0031613940534

شماره فاکس:

0017345386165

### تلویزیون هفته‌نگی

هر سه شنبه‌ها ساعت:

22—21.30

مشخصات فنی تلویزیون:

Satellite: Telstar 12  
Center Frequency:  
12608 MHz  
Symbol Rate: 19279  
FEC: 2/3  
Polarization: horizontal

### رادیو هفته‌نگی

هر سه شنبه ساعت:

21 - 21.15

طول موج رادیو:

۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز

به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمک مالی کنید